

اکران سه فیلم در سه ژانر متفاوت

زمانیان ۱ چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در سومین روز با اکران سه فیلم «پروانه»، «سقف» و «اسکورت» میزبان اصحاب رسانه است.

«**پروانه**» به کارگردانی محمد برزویی پور نخستین فیلمی است که امروز ساعت ۱۴ به نمایش درمی آید. این فیلم در ژانر جنایی- عاشقانه ساخته شده و نخستین تجربه کارگردانی محمد برزویی پور است. مهدی پاکدل، آناهیتا درگاهی، هومن برق نورد، محمد علیمحدی و... ترکیب بازیگران آن را تشکیل می دهند. این اثر که در دل یک روایت جنایی، عاشقانه‌ای خاص را رقم می‌زند، درباره فردی است که به اتهام قتل همسرش دستگیر می‌شود و مخاطب را با ادامه ماجرای زندگی‌اش همراه می‌کند.

«**سقف**» به کارگردانی ابراهیم امینی و تهیه‌کنندگی سعید خانی دومین فیلمی است که امروز ساعت ۱۶:۳۰ به نمایش درمی آید. این فیلم که با محوریت جنگ ۱۲روزه ساخته شده در ژانر کمدی است و سام درخشانی، فریا نادری، بیژن بنفشه خواه و گیتی قاسمی در آن نقش آفرینی می‌کنند. ابراهیم امینی کارش را در کنار محمدحسین مهدویان به عنوان بازیگردان و همکار فیلم‌نامه‌نویس شروع کرد و نتیجه این همکاری سریال «آخرین روزهای زمستان» و فیلم‌های «ایستاده در غبار»، «ماجرای نیمروز ۱ و ۲» و «درخت گردو» بود. او سال گذشته همزمان نخستین تئاتر خود با نام «ترو» و نخستین فیلم سینمایی‌اش به اسم «چشم‌بادومی» را ساخت و حالا «سقف» دومین تجربه کارگردانی‌اش آماده نمایش شده‌است.داستان این فیلم درباره یک استاد دانشگاه میانسال است که خانه‌اش در جریان حملات رژیم صهیونیستی آسیب می‌بیند و عروسی خانواده‌یکشان مختل می‌شود. این اتفاق منجر می‌شود که او و همسرش از تهران بگریزند. تمرکز این روایت روی نشان دادن جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم عادی ایران است و قصد دارد تبعات روانی ناشی از تنش‌های منطقه را به تصویر بکشد. «**اسکورت**» به کارگردانی یوسف حاتمی کیا و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری، سومین فیلمی است که امروز ساعت ۱۹ در پردیس ملت به نمایش درمی آید. این فیلم که در ژانر جاده‌ای- اکشن ساخته شده با نقش آفرینی امیر جدیدی، هدی زین‌العابدین، افشین هاشمی، رضا کیانیان، مهدی زمین‌پرداز و... امروز در جشنواره اکران خواهد شد.

فیلم اسکورت به طور خاص به پدیده شوتی‌ها می‌پردازد؛ موضوعی که سال‌هاست در کانون توجه افکار عمومی و رسانه‌ها قرار داشته و به دلیل حساسیت‌های خاص خود، همواره با چالش‌های متعددی برای تولیدکنندگان آثار هنری همراه بوده است. با این حال، تیم سازنده این فیلم پس از کش‌وقوس‌های فراوان و پشت سر گذاشتن موانع متعدد، سرانجام موفق به کسب مجوز ساخت این اثر شدند.یک پلیس سرباز مجبور می‌شود برای تهیه داروی سرطان دوستش، اسکورت یک شوتی زن شود تا بار قاچاقی را به مقصد برساند.

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با کارگردان «سرزمین فرشته‌ها» که فیلمی درباره بچه‌های فلسطینی است

ادای دین به کودکانی که در جنگ‌ها نقشی ندارند



صبا کریمی | «سرزمین فرشته‌ها» به نویسندگی و کارگردانی بابک خواجه پاشا و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی فیلمی در ژانر درام، روایتگر زنی است که با عشق و مقاومت، معجزه‌ای را رقم می‌زند. این فیلم که داستانش در فلسطین می‌گذرد با حضور سولاف فواخرجی، بازیگر مطرح سوری در کنار بازیگران کودک عرب، ایرانی، سوری و لبنانی چون علی ذیب، فاطمه المعصومه زریق، اهورا لطفی، محمد اسد، زهرا فاضل و... ساخته شده است. «در آغوش درخت» و «آبی روشن» دو فیلمی است که بابک خواجه‌پاشا در کارنامه خود دارد و منوچهر محمدی، تهیه‌کننده با سابقه سینمای ایران که نیز تهیه‌کنندگی «بازمانده» به کارگردانی زنده‌یاد سیف‌اله داد را در کارنامه خود دارد، امسال با فیلم «سرزمین فرشته‌ها» در جشنواره فیلم فجر حضور خواهد داشت. در ادامه گفت‌وگوی ما با این فیلمساز درباره انگیزه‌اش از ساخت این فیلم را می‌خوانید.خواجه‌پاشا در واکنش به فضای متفاوت این فیلم نسبت به آثار پیشین خود می‌گوید: این فیلم دقیقاً در راستای فیلم‌های قبلی‌ام است و همان سبک و نگاه شاعرانه را دارد، اما در یک موقعیت دیگر قرار گرفته است.



فیلمی لطیف و انسانی درباره زندگی

خواجه‌پاشا با اشاره به اینکه فیلم‌نامه «سرزمین فرشته‌ها» را با نگاهی انسانی به رشته تحریر درآورده،

«سرزمین فرشته‌ها» درباره زنی است که سعی می‌کند با مقاومت و از خود گذشتگی چند کودک فلسطینی را در موقعیتی بحرانی حفظ کند

تأکید می‌کند: این فیلم درباره زنی است که سعی می‌کند با مقاومت و از خود گذشتگی چند کودک فلسطینی را در موقعیتی بحرانی حفظ کند. همان نگاه انسانی که در دو فیلم دیگرم بود را در اینجا هم دارم و سعی کردم روایت فیلم کاملاً لطیف باشد و به لایه‌های زیرین و عمیق عواطف انسانی می‌پردازم.

خواجه پاشا در ادامه با اشاره به جغرافیای داستان می‌گوید: موقعیت فیلم مربوط به فلسطین و داستان درباره بچه‌های فلسطینی است، اما فیلم‌برداری در داخل ایران انجام شده است. اغلب بازیگران فیلم عرب‌زبان هستند و تعدادی هم از ایران انتخاب شده‌اند، اما به زبان عربی صحبت می‌کنند.

■اتفاق‌های غزه انگیزه ساخت فیلم جدیدم شد

خواجه‌پاشا در بخش دیگری از گفته‌های خود درباره انگیزه‌اش از ساخت این فیلم اظهار می‌کند: در دو سال

■هر کسی در هر جای جهان می‌تواند مخاطب «سرزمین فرشته‌ها» باشد

خواجه‌پاشا در پاسخ به اینکه جامعه بین‌المللی هم مخاطبان فیلم او هستند؟ تأکید می‌کند: فیلم نه تنها برای ایرانی‌ها بلکه برای مخاطبان کل جهان است و ما سعی کردیم فضا و استانداردهای بین‌المللی را در فیلم رعایت و از بازیگران خوبی استفاده کنیم.

وی در ادامه تصریح می‌کند: اتفاقات اخیر در فلسطین در تمام دنیا تأثیر گذاشت و اگر کسی طرفدار حق باشد، قطعاً از آنچه در آنجا رخ داده ناراحت خواهد شد. من هم از این قضیه مستثنا نبودم و تصمیم گرفتم کاری برای این بچه‌ها انجام بدهم. این فیلم شاید ادای دینی باشد به کودکانی که در جنگ‌ها هیچ نقشی ندارند و در عین حال هیچ گونه درکی هم از آنچه که در حال وقوع است ندارند. تأثیر جنگ تا سال‌ها بر این کودکان باقی می‌ماند و فیلم سعی کرده از نگاه بچه‌ها به این مقوله نگاه کند.

این فیلمساز درباره چالش‌های ساخت فیلم تازه‌اش می‌گوید: بزرگ‌ترین چالش در ساخت این فیلم، گرفتن بازی از بازیگران خارجی و هماهنگ شدن با آن‌ها بود. بازیگردانی و رسیدن به درک مشترک از موضوع از چالش‌های سختی بود که با همراهی گروه خوبمان و تهیه‌کننده کار و برخی از عوامل توانستیم بر آن‌ها غلبه کنیم. کار کردن با بچه‌هایی که زبان مشترک نداریم سخت است و باید تلاش بیشتری می‌کردیم تا بتوانیم با هم ارتباط برقرار کرده و جهان یکدیگر را درک کنیم.

وی در پایان درباره انتظارش از بازخورد مخاطبان نسبت به این فیلم اظهار می‌کند: «سرزمین فرشته‌ها» فیلمی آبرومند است و امیدوارم زحمات بچه‌ها دیده شود.



درباره فیلمی که نخستین تجربه کارگردانش است

شخصیت‌های «غوطهور» در آب



است. از سوی دیگر، فیلمساز ماهر را به‌عنوان شخصیتی خطرناک معرفی می‌کند که منشأ همه رفتارهای ناهنجارش، انحراف جنسی است، اما به ریشه‌های آن اشاره‌ای نمی‌کند و فقط به این بسنده می‌کند که او خانواده‌ای بی‌قید و بند داشته که اکنون در ترکیه زندگی می‌کنند؛ رویکردی که بیشتر شبیه ساخت یک فرمول تیپیکال از مشکلات و ناهنجاری‌ها در نتیجه زندگی ناپسامان است. نکته دیگر اینکه این فیلم با وجود اشاره به معضلی اساسی و مهم در نسل جوان، جز نشان دادن میزان خطرناک بودن این شخصیت برای جامعه، به چیز دیگری نمی‌پردازد. حتی در سکانسی که روانپزشک آگاهی با بررسی نقاشی‌های ماهرک به تحلیل شخصیت او می‌پردازد نیز چیزی جز حرف‌های کلیشه‌ای نصیب مخاطب نمی‌شود.

نکته قابل تأمل دیگر این است که در این فیلم حتی یک زن خوب هم دیده نمی‌شود؛ از ماهرک که دچار انحراف جنسی است و قربانیان زیادی دارد، تا زنی که صاحب یک سالن زیبایی است و به انجام کارهای متفرقه مشغول بوده و به صراحت به آن اعتراف می‌کند. حتی لیلا که اگر او را شخصیت خوب این قصه بدانیم هم کاملاً منفعل و در جایگاه یک قربانی ترسیم شده است. نخستین فیلم محمدجواد حکمی با اینکه روی موضوع مهمی همچون معضلات جنسی دست گذاشته ـ موضوعی که تاکنون در سینما کمتر به آن پرداخته شده ـ اما از ورود به لایه‌های زیرین و عمیق آن بازمانده و نتوانسته فیلمی تأثیرگذار درباره آسیب‌های چنین مشکلاتی بسازد و در نهایت، همه چیز در خدمت دیده شدن و به سرانجام رسیدن این پرونده توسط قهرمان متعهد و بی‌خواب «غوطهور» قرار گرفته است.

کریمی | فیلم‌های جنایی و معمایی، اگرچه از جذاب‌ترین ژانرهای سینمایی به شمار می‌روند، اما حرکتشان روی لبه تیغ است و اگر نتوانند در سه‌گانه کارگردانی، روایت و بازیگری به ترکیبی درست و استاندارد دست پیدا کنند، طبیعتاً نتیجه قابل قبولی هم‌بندست نخواهند آورد. «غوطهور» نخستین فیلم بلندمحمدجواد حکمی، به‌تهیه‌کنندگی سیدمحمدحسین‌هاشمی گلپایگانی و سعید پروینی یکی از همین فیلم‌هاست که با وجود تلاش برای حرکت روی این خط، همچنان در ساختار، اثری ضعیف و کم‌جان به نظر می‌رسد.

غوطهور داستان «حسن کارخانه» سرهنگ میانسال‌ی را روایت می‌کند که در آستانه ارتقای شغلی قرار دارد. شبی که او قصد دارد خود را به جلسه‌ای مهم برساند و پست جدیدش را تحویل بگیرد، در خیابان تصادف می‌کند. او به سرنشینان خودرو ـ که دو دختر جوان با حالتی غیرعادی هستند ـ مشکوک می‌شود، اما به آن‌ها توجه نمی‌کند و می‌رود، تا اینکه پرونده گم

شدن چند دختر، او را به ماجرای همان شب تصادف پیوند می‌زند.

خط روایت فیلم به‌صورت موازی، داستان سرهنگ و دو دختر جوان را پیش می‌برد. تغییر زاویه دید و جابه‌جا شدن مداوم صحنه‌ها از یک موقعیت به موقعیتی دیگر، اگر قرار بوده منجر به ضرباهنگی تند و ملتهب در روایت شود و تعلیق و غافلگیری ایجاد کند، بیشتر به آشفتگی و در هم ریختگی دامن زده و نتوانسته فضای دلهره‌آوری ترسیم کند. هرچند کارگردان تلاش کرده در سکانس‌های مربوط به ماهرک و لیلا، اضطراب و ترس را جاری کند، اما نه‌تنها به این هدف دست نیافته، بلکه سر و صدای بیش از حد و چیغ کشیدن‌های لیلا روی اعصاب مخاطب هم می‌رود. احتمالاً کارگردان روی بازی بازیگران جوانش زیادی حساب باز کرده، اما بازی‌ها هم چنگی به دل نمی‌زنند و تصنعی و خشک از آب درآمده‌اند.

از سویی دیگر شخصیت‌پردازی‌ها ضعیف و سطحی است. سرهنگ حسن کارخانه ـ که دوستان و همکارانش او را «کارخونه» صدا می‌کنند ـ مردی تنهاس‌ت که به بی‌خوابی دچار شده و همین مشکل او را آشفته و پریشان کرده و اجازه نمی‌دهد چیزی را که دیده، ثابت کند و به دیگران بفهماند دچار توهم نیست. او با وجود اینکه در قالب فضای اداری نمی‌گنجد و همواره مورد انتقاد همکاران و رئیسش است، با وجدان کاری و مسئولیتی که دارد، سعی می‌کند وارد این پرونده شود و جان لیلا را نجات دهد.

اما وضعیت سایر کاراکترها به مراتب بدتر است. شخصیت‌ها در فیلم شکل نمی‌گیرند، پرداخت نمی‌شوند و عملاً شناسنامه‌ای ندارند. تقریباً در نیمه‌های پایانی فیلم متوجه ارتباط لیلا و ماهرک می‌شویم، اما همچنان نامشخص است که لیلا چگونه تا این حد ساده در دام ماهرک افتاده



کارت‌پستالی از بیگ‌بن

و تاور بریج و سایر نمادهای شهری لندن، آکروپلیس یونان و... که با هوش مصنوعی ساخته شده، مانور می‌دهد. از سوی دیگر در بخش فیلم‌برداری نیز انتخاب‌هایی دیده می‌شود که ممکن است برای مخاطب پرسش برانگیز باشد و مشخص نیست چرا فیلمبردار بسیاری از کادرها را کج بسته و قاب‌ها در سراسیمگی است. و اما یکی از بخش‌هایی که کم‌سلیقگی در آن موج می‌زند، گریم بسیار بد بازیگران به ویژه پژمان بازغی و رامین ناصر نصیر و همچنین دوبله شخصیت‌های خارجی به دلیل لحن تصنعی آن‌هاست که بر فضای فیلم تأثیر گذاشته و در برخی لحظات، حال و هوایی کمدی ایجاد کرده است.

در سکانس‌های پایانی فیلم و جایی که امانوئل با نشان دادن تصاویری از کودکان و مردم غزه تلاش می‌کند همکارش را که برای کشتن او به ایران آمده به انتخاب «راه درست» ترغیب کند و اسلحه‌ای که در دست یک کودک است و صحنه پایانی را رقم می‌زند به یکی از لحظات عجیب فیلم تبدیل می‌شود؛ سکانسی که مستقیم و اغراق‌آمیز خشونت را به تصویر می‌کشد.

در مجموع، غبار میمون اثری است که حتی با در نظر گرفتن ارفاق نیز به‌سختی می‌توان آن را در رده فیلم‌های متوسط قرار داد. به نظر می‌رسد این فیلم در جذب مخاطب عام نیز با چالش‌هایی روبه‌رو باشد و بیش از آنکه بتوان آن را یک فیلم سینمایی قلمداد کرد، یادآور یک تلف‌فیلم با داستان و اجرایی ساده و ابتدایی است و تازه‌ترین ساخته معیریان در یک نگاه کلی، با ضعف‌های زیادی روبه‌رو است.

درباره «غبار میمون» که یک تریلر سیاسی- جنایی است

آقای معیریان لطفاً همان کمدی‌تان را بسازید!

کریمی | نام آرش معیریان با سینمای تجاری گره خورده است؛ او ساخت فیلم بلند را با «کما» آغاز کرد که در دوران خودش یکی از کمدی‌های پرفروش بود و موفقیت قابل توجه این فیلم، معیریان را به ساخت فیلم‌های اجتماعی کمدی سوق داد و در ادامه او به یکی از کمدی‌سازان فعال سینما در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تبدیل شد. هرچند سایر فیلم‌هایش مانند «شارلاتان»، «شیر و عسل»، «دریاکنار»، «دم سرخ»، «آپاچی» و... هرگز نتوانستند موفقیت «کما» را تکرار کنند اما معیریان همچنان به ساخت فیلم در این ژانر ادامه داد. او چند فیلم هم در ژانر کودک دارد اما امسال در حیطه فیلم‌سازی‌اش یک چرخش بسیار متفاوت داشته است؛ «غبار میمون» تازه‌ترین فیلم او یک تریلر سیاسی ـ جنایی است که روایتی از مأموریت‌های پشت پرده نیروهای امنیتی و سرویس‌های بیگانه است. صدرا، نیروی ارشد امنیتی متوجه می‌شود امانوئل ـ دانشمند علوم شناختی و منبع اطلاعاتی او ـ توسط سرویس‌های بیگانه شناسایی شده است. در پی این اتفاق، صدرا راهی کشوری ثالث می‌شود؛ سرزمینی که امانوئل پیش‌تر، با همراهی نیروهای امنیتی ایران و به بهانه شرکت در یک همایش علمی، در آن حضور داشته است.

فیلم روایت خود را با ریتمی نسبتاً پرشتاب و با معرفی شخصیت‌های متعدد آغاز می‌کند؛ شخصیت‌ها یکی پس از دیگری وارد داستان می‌شوند. امانوئل با بازی پژمان بازغی که به یک سازمان یهودی پیوسته و از طریق نفوذ در آن مأموریتی را دنبال می‌کند، در مرکز روایت قرار دارد و از سویی دیگر صدرا با بازی علی دهکردی هم از داخل ایران به هدایت او مشغول است.

اما حقیقت ماجرا اینجاست که هر چه داستان پیش می‌رود، درک جزئیات و خط اصلی روایت برای مخاطب دشوارتر می‌شود. فیلم دست‌کم تا یک‌سوم ابتدایی خود اطلاعات روشنی در اختیار تماشاگر قرار نمی‌دهد و در شکل‌دهی منسجم به قصه با چالش مواجه می‌شود. در این میان، تعدد شخصیت‌ها نیز به پراکندگی روایت دامن می‌زند و بر ابهام داستان می‌افزاید. کاراکترهایی که پرداختی باسمه‌ای و سطحی دارند و عملاً می‌توان خیلی از آن‌ها را از داستان خط‌زد، بدون اینکه آسیبی به ساختار فیلم‌نامه و روایت وارد کنند. «غبار میمون» به لحاظ فرمیک هم چنگی به دل نمی‌زند. سکانس‌ها به‌طور مداوم میان لوکیشن‌های مختلف جابه‌جا می‌شوند و از آنجایی که هوش مصنوعی دست معیریان و تیمش را در خلق لوکیشن‌های مختلف در اقصی نقاط دنیا باز گذاشته، کارگردان هم مدام در حال تغییر موقعیت از این سوی دنیا به آن سوی دنیاست و با تصاویری